

پیام تورس از کوهستان^۱

فرزندان کلمبیا! اکنون سال‌ها است که مردم محروم کشور درصددند خود را مسلح سازند و بر بساط حکومت جابر یورش برند و آن را براندازند. اما هربار که خشم مردم بالا گرفته و عرصه را بر تبهکاران تنگ کرده است، طبقه حاکم کوشیده است به طرق گوناگون آنان را بفریبد و مبارزات انقلابی را به انحراف کشاند. پس ادامه چنین وضعی باعث شده است که توده‌ی مردم همچنان دستخوش سختی و محرومیت باقی بماند و گروه حاکم نیز بیش از پیش از رفاه و تنعم برخوردار گردد.

زمانی که مردم یورگه الیسرگیتان را به رهبری برگزیدند، طبقه حاکم این مرد ارزشمند را تاب نیاورد و او را به قتل رسانید و آنگاه که مردم خواستار صلح شدند نظام استبدادی سراسر کشور را به آشوب کشانید و چون کارد به استخوان ملت رسید و برای تسلط بر قدرت به تشکیل نیروی چریکی دست زد، دستگاه حاکم به اعمال قدرت نظامی متوسل گردید و در پی یک کودتای نظامی چریک‌های انقلابی را محاصره و سرکوب کرد. همچنین زمانی که مردم از آزادی و دموکراسی دم زدند بازهم دیکتاتوری حاکم راه تزویر پیش گرفت و از طریق انتخاباتی فرمایشی و ایجاد جبهه‌ای ملی اراده خود را به ملت تحمیل کرد.

مردم دیگر به هیچ روی اعتقادی به این نظام ندارند و «انتخابات» آن را نیز مردود می‌شمرند. مردم به خوبی دریافته‌اند که از تدابیر صلح‌آمیز و وسایل قانونی دیگر کاری ساخته نیست و تنها راهی که باقی مانده است همانا مبارزه قهرآمیز است. اعضای جامعه به راستی سرخورده و نومیدند و از همین رو مصمم‌اند زندگی خویش را در راه آزادی نسل‌های آینده‌ی کلمبیایی نثار کنند و برای فرزندان خود غذا و لباس و مسکن و آموزش و مهم‌تر از همه شرافت و حیثیت به ارمغان آورند و ضمن تأمین استقلال کشور، دست ایالات متحد آمریکا را از سرزمین خود کوتاه نمایند.

پس همه‌ی افراد انقلابی مخلص باید به فرمان رهبران خویش گوش سپارند و با همه امکانات خود به عرصه‌ی پیکار بشتابند. من با صراحت و صداقت اعلام می‌کنم که اکنون زمان این پیکار فرارسیده است. من خود با روستاییان و مردم شهری صحبت کرده‌ام و آن‌ها را برای کسب قدرت به اتحاد و سازمان‌یابی برانگیخته‌ام و همچنین پیام خویش را دایر بر اینکه باید همه‌ی هستی خود را در راه نیل به آرمان‌های خویش ایثار کنیم و از مرگ نهراسیم ابلاغ کرده‌ام.

^۱ برگرفته از کتاب «کلیسای شورشی» (مذهب و انقلاب در آمریکای لاتین)، ترجمه‌ی جوای یوسفیان، نشر نی، ۱۳۶۸

اینک زمینه کار فراهم است. اما گروه حاکم باز درصدد است که «انتخاباتی» را پیش کشد و بدین وسیله ما را سرکوب کند و جالب اینجاست که افرادی که گروه حاکم آن‌ها را نامزد انتخابات معرفی می‌کند، خود نامزدی خویش را انکار می‌کنند. طبقه‌ی حاکم مدعی است که عصر جدیدی را که متضمن افکار و اقدامات تازه‌ای است آغاز کرده است. اما حقیقت این است که رجال سیاسی همان افراد فرتوت خائنی هستند که در خیانت به مردم سابقه‌ای دیرینه دارند.

مردم کلمبیا! دیگر درنگ جایز نیست. من خود مبارزه قهرآمیز را برگزیده‌ام و به چریک‌های انقلابی پیوسته‌ام و از این رو تا وصول به مقصود که همانا انهدام نظام موجود و کسب قدرت به وسیله توده است، پیکار خویش را در کوه‌های کلمبیا ادامه خواهم داد. من به ارتش آزادی‌بخش ملی پیوسته‌ام چرا که همه آرمان‌های جبهه متحد را در این ارتش یافته‌ام. این ارتش به وحدت ملی و تحول زندگی روستاییان کشاورز می‌اندیشد و اختلافات سیاسی و دینی و عوامل دیگر، آن را از راهی که در پیش گرفته است باز نمی‌دارد. این جنبش چریکی به راستی در پی آزادی مردم از یوغ استثمار طبقه حاکم و نیز نیروی اهریمنی استعمار است و تا پیروزی مردم از نبرد قهر آمیز و درنگ ناپذیر خود دست برنخواهد داشت.

ما میهن‌پرستان کلمبیایی باید آماده جنگ شویم و به تدریج بازی را آغاز کنیم. افراد چریک نیز باید در سراسر کشور پدید آیند. اما در همین حال باید سخت هشیار باقی بمانیم و به تدارک سلاح و مهمات دست زنیم و آموزش چریکی ببینیم و با اطرافیان خود روابطی عمیق و وسیع برقرار گردانیم.

همچنین باید از گردآوری لباس و خوراک و دارو و چیزهای دیگر که برای یک مبارزه طولانی ضروریند، غفلت نوزیم.

ما باید هر جا که به پیروزی خود اطمینان داریم، حملات محدودی را علیه دشمن به عمل آوریم و کسانی را که مدعی انقلابی بودن اند بیازماییم. همچنین ما باید نه از عمل روبرتاییم و نه زمام شکیبایی را از دست رها کنیم. بدیهی است که در جریان یک جنگ طولانی هر فردی باید در جنگ شرکت جوید اما آنچه مهم است آمادگی مستمر افراد است. ما باید کارها را به دقت بین خود تقسیم کنیم و اعضای فعال جبهه متحد را به عمل و ابتکار واداریم و در عین اعتقاد به پیروزی، بردبار باشیم. مبارزه مردم باید جنبه ملی یابد. ما کار خود را آغاز کرده ایم و آگاهیم که رسالتی خطیر و طولانی در پیش داریم.

ما به هیچ روی نباید دست از حمایت مردم برداریم و مطالبات انقلاب را نادیده انگاریم.

ما اعضای فعال جبهه متحد باید به شعارهای خود جامه عمل بپوشانیم و برای اتحاد و سازماندهی طبقات مردم و نیز کسب قدرت تا حد توان بکوشیم ما به راستی تا حد مرگ می‌کوشیم زیرا مصمم هستیم که کار را یکسره کنیم و این رسالت را به پایان بریم. همچنین اعتقاد راسخ داریم که وقتی ملتی تا سرحد مرگ دست به پیکار می‌زند البته پیروز می‌شود. ما حتی يك گام به عقب باز نمی‌گردیم و در این راه یا می‌میریم و یا به دولت آزادی دست می‌یابیم.